

بامحمدعلی توانایی خبازان که بزرگترین علم ایران را روی شانه برده است

دسته گل «شاه حسین»

تیغه‌ها که نماد نور و رحمت هستند به صورت قرینه به کار می‌رود و این معنی را تداعی می‌کند که خوب‌دید، خیر و شر همیشه بایکدیگر در جنگ و چالش هستند. برخی حیوانات هم اگر چه در حادثه کربلا نقشی نداشته‌اند، اما به خاطر همان وجه نمادین و نقشی که در مذهب تشیع دارند بعدها به علم‌ها اضافه شده‌اند، مثلاً در روایات، حضرت مهدی (عج) به عنوان طاووس اهل بهشت معرفی شده و خروس نیز حیوان اذان‌گوست.

زنگوله هم نماد زنگ حیدری است، مثلاً زمانی که وارد زور خانه می‌شوید زنگ را به صدا در می‌آورند و زمانی هم که علم‌تکان می‌خورد صدای زنگوله بیان‌کننده «حیدر حیدر» است. دست‌های بریده هم به دست‌های علمدار بی‌دست کربلا اشاره دارد. پَرهای به کار رفته در علم هم فلسفه جداگانه‌ای دارد. این پرهادر ۳ رنگ سبز، قرمز و سفید استفاده می‌شوند؛ رنگ سبز نشان‌دهنده سید بودن ائمه است، قرمز رنگ خون و سفید رنگ صلح است.

«شما علم را به تنهایی بلند می‌کردید؟

نه، محال بود کسی بتواند چنین علمی را به تنهایی بلند کند. آن سال‌ها که علم به ۱۳ متر رسیده بود، ۵ نفر مرد قوی هیکل لازم بود تا بتوانند آن را جلوی دسته حرکت بدهند. همیشه وقت حرکت علم، یکی در وسط و ۴ نفر به صورت دویه‌دو در چپ و راست آن می‌ایستادند.

این توضیح را هم اضافه کنید که این ۵ مرد قوی بنیه در هر نوبت نهایت تا ۵۰ قدم می‌توانستند علم را پیش ببرند و نیاز به نفس‌گیری داشتند.



«علم معروفش چه سالی و به دست چه کسی ساخته شد؟

گویا این علم حوالی سال ۱۳۲۰ به دست حاج امیر عرب در اصفهان ساخته شده اما آن دوران ۶ متری بیشتر نبود. بعدها شاه حسین به دلیل علاقه زیادی که به این علم داشت، آن را با هزینه خودش بزرگ‌تر کرد تا آنجا که طولش به ۱۳ متر رسید و بزرگ‌ترین علم ایران در دوره خودش نام گرفت؛ البته این علم به خاطر تزئینات خاصی که دارد، هنوز هم در کشور بی‌نظیر است.

«شاه حسین این تزئینات را از کجایه می‌کرد و شامل چه چیزهایی می‌شد؟

شاه حسین راننده تریلی بود. هر چه داشت سر این علم گذاشت. بعدها حتی ماشینش را فروخت تا خرج علم کند. می‌رفت بازار سید اسماعیل تهران یا بازار قدیم اصفهان و هر جور عتیقه‌ای که می‌توانست، می‌خرید و به علم وصل می‌کرد؛ شیر، طاووس و بسیاری از نمادهایی که اغلب عتیقه و طلاکوب هستند.

«تزئینات علم با این حیوانات نشانه و نماد چیست؟

هر کدام از حیوانات به دلیلی روی علم نشسته‌اند. در واقع از اعتقادی سرچشمه می‌گیرند؛ مثلاً کبوتری که روی علم‌ها می‌بینید اشاره به داستان شهادت امام جواد (ع) دارد. نقل است که پیکر امام جواد (ع) را پس از شهادت ۲ تا ۳ روز روی پشت‌بام می‌گذارند و کبوترها برای اینکه آفتاب پیکر ایشان را نسوزاند، بال‌هایشان را می‌گسترانند و بر پیکر ایشان سایه می‌اندازند. برخی دیگر هم معتقدند که کبوتر مورد استفاده در علم‌ها به داستان آن کبوتری اشاره دارد که با آغشته کردن پروبال خود به خون امام حسین (ع) خبر شهادت آن حضرت را به مدینه برد. برخی از آن‌ها علاوه بر وجه نمادین، به یکی از حوادث واقعه عاشورا اشاره دارند، به طوری که بر طبق کتاب بحار الانوار در کربلا برخی از حیوانات به حضرت اباعبد... (ع) پناهانده شدند و این مسئله فلسفه استفاده از اشکال حیواناتی چون گوزن بر روی علم است.

یا روایت است که شیر و چند حیوان دیگر برای کمک به امام حسین (ع) اعلام آمادگی کردند که آن حضرت از این مسئله امتناع ورزیدند و طبق روایات این حیوانات بعد از شهادت امام (ع) و یارانش بر جنازه آنان حاضر شده و گریستند. از سوی دیگر شیر مظهر قدرت است و همه شیعیان حضرت علی (ع) را به عنوان «شیر خدا» می‌شناسند. خیلی‌ها شیری را که روی علم نشسته، نمادی از حضرت امیر (ع) می‌دانند.

یکی دیگر از نمادهایی که در دو طرف علامت و دوطرف تیغه‌ها دیده می‌شود از ده‌هاست که نشان‌دهنده حضور جنیان در واقعه کربلاست؛ چرا که بر اساس روایات، اجنه در روز عاشورا به کمک امام حسین (ع) رفته‌اند، اما آن حضرت کمک آن‌ها را نپذیرفت. از سوی دیگر از ده‌ها نماد عقیمی و رانده‌شدگی است و معمولاً در دو طرف



هما سعادت‌مند - اسم «شاه حسین» و علم معروفش را ۳ سال پیش از زبان یکی از پیر غلامان هیئت علی اکبری‌ها در خیابان طلاب شنیدیم و این اربعین فرصتی دست داد تا در محله رضاشهر، پای صحبت کسی بنشینیم که بیش از چهل سال در هیئت‌های مختلف شهر علم‌کشی کرده است: محمدعلی توانایی خبازان، بیچه‌نوغان قدیم است که این روزها، شصت و شش سالگی‌اش را پشت سر می‌گذارد.

توانایی خبازان اگر چه خادمی در دستگاه امام حسین (ع) را افتخار تمام زندگی‌اش می‌دانند اما اوج این افتخارات را مربوط به زمانی می‌دانند که به «علم شاه حسین» شانه داده است. علمی که عنوان «بزرگ‌ترین علم ایران» را پشت نام‌نشانش دارد و حالا ۱۰ سال است به جای هیئت، در موزه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. با این علم‌کش قدیمی شهرمان درباره همین علم مشهور به گفت‌وگو نشستیم؛ همراه این گفت‌وگو باشید.

«از چه سالی وارد هیئت‌های مذهبی شدید؟

نوغان قدیم هیئتی داشت به نام «آل‌طاها». خیلی کم‌سن و سال بودم که دست در دست پدرم راهی این هیئت شدم و بعدش هیئت‌های دیگر همان محله. این آشنایی سبب شد که سال‌های پس از آن هم هر محرم در دستگاه آقای مظلومم نوکری کنم.

«شما سال‌ها علم‌کش علمی بودید که به نام شاه حسین بود. او را از کجا می‌شناختید؟

اسمش حسین است، فامیلش غیور مرادی. ۱۷ سالی از من بزرگ‌تر بود. پدرش اصالتاً یزدی بود و در پایین‌تر از «قبر میر» آمده و شیریه می‌فروخت. پدر حسین آن روزهای رفت‌یزد، آمده و شیریه می‌آورد و در مشهد می‌فروخت. این خانواده را از آن دوران می‌شناسم. بعدها هم که پایم به هیئت‌های مذهبی باز شد، او را بسیار می‌دیدم. خودش هیئتی داشت به نام «قائم آل محمد (ع)» که در آن جا میان‌دار بود. توی هیئتش ۲ هزار سینه زان لخت می‌شدند و عزاداری می‌کردند.

«حسین غیور مرادی چرا به شاه حسین معروف شده بود؟

غیور مرادی مرد شاعر مسلکی بود. چند دفتر شعر هم در مدح ائمه اطهار نوشته بود که دست فرزندانش است. همیشه در جمع هیئتی‌ها شعر می‌خواند. یکی از توصیف‌هایی که در مورد امام حسین (ع) به کار می‌بست و همیشه با صدای بلند تکرار می‌کرد، این بود: «شاه مردان حسین (ع) است». همان دوران وقتی علمش به هیئت آمد و وارد راسته بازار شد، اسمش سر زبان‌ها افتاد و به این نام معروف شد.

